

متعه از دیدگاه فریقین

زهرا فرزام^۱، محمد رضا ضمیری^۲

چکیده

متعه همان ازدواج موقت است که در آن، مهر و مدت معین می‌شود و زن پس از انقضای مدت از مرد جدا می‌شود. آیه ۲۴ سوره نساء بیان‌گر متعه و نکاح موقت با زنان است و به آیه متعه معروف شده است. مسئله جواز و عدم جواز متعه از دیرباز مورد اختلاف شدید مفسران عامه و خاصه بوده است. شیعه براساس شواهد و قرائن درونی و بیرونی معتقد است که آیه متعه در نکاح منقطع ظهور دارد و درباره بهره‌برداری از زنان و ازدواج موقت با آنها نازل شده است. این حلیت تا امروز استمرار دارد. مفسران و فقهای عامه، اصل دلالت آیه بر نکاح منقطع را نپذیرفته‌اند یا با قبول مشروعیت آن در برهه‌ای از تاریخ به نسخ آن به وسیله قرآن یا سنت و حرمت این ازدواج در عصر کنونی قائل شده‌اند. پژوهش حاضر بیانات و اختلافات تفسیری و فقهی ذیل آیه متعه و تحلیل آن را بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: آیه متعه، ازدواج موقت، روایات فریقین، فقه مقارن.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. متعه

به باور واژه‌شناسان، اصل ریشه «م ت ع» به معنای منفعت و سود و برخورداری درازمدت از خیرات است و دو واژه متعه و متاع نیز همین معنا را می‌رساند. در اسلام، متعه بر سه معناست: متعه حج، متعه طلاق، نکاح منقطع.

۱. دانش‌پژوه دکتری فقه مقارن، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی‌العالمیه، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، قم، ایران.

۲. نگاه اجمالی به سوره نساء و آیه متعه

نام‌های این سوره عبارتند از: نساء و النساء الکبری است (شرف‌الدین، ۱۴۲۰، ۱۰۷/۲)، در مقابل سوره طلاق که النساء الصغری است. نام‌گذاری آن به نساء (زنان) بدین جهت بوده که در این سوره از حقوق زنان بسیار سخن گفته شده و از آنها دفاع شده است. این سوره ۱۷۶ آیه، ۳۷۴۵ کلمه و ۱۶۰۳۰ حرف دارد. سوره نساء در مدینه بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد. این سوره نودویکمین سوره در ترتیب نزول است؛ یعنی بعد از سوره زلزال و قبل از سوره ممتحنه، فرود آمد و در ترتیب فعلی قرآن، چهارمین سوره است. در مورد فضیلت سوره نساء از پیامبر اسلام ﷺ حکایت شده است که هر کس سوره نساء را در هر جمعه بخواند از فشار قبر ایمن می‌شود (صدوق، ۱۴۰۶، ص ۱۰۵). البته مقصود این روایات آن است که انسان قرآن را بخواند تا مقدمه فهم و عمل باشد و اگر مسلمانی در زندگی فردی و اجتماعی از آیات این سوره الهام بگیرد، تمام این ثواب‌ها را دارد.

این سوره از نظر تعداد کلمات و حروف، طولانی‌ترین سوره قرآن، بعد از سوره بقره است. چهره عمومی سوره نساء بیان قوانین خانوادگی و اجتماعی است. ۳۵ آیه اول سوره نساء درباره مسائل خانوادگی است و آیات ۴۸ و ۱۱۵ این سوره، امیدبخش‌ترین آیات قرآن است که وعده بخشش همه گناهان، غیر از شرک را می‌دهد. (ر، ک، طبرسی، ۱۳۸۴، ۹۰/۳، ذیل آیه ۴۸) در یک دید کلی به نظر می‌رسد که در آیات این سوره، اهداف عمده زیر دنبال می‌شود:

بیان قوانین خانوادگی و اجتماعی اسلام به منظور قانونمند کردن جامعه نوپای مسلمانان؛

کنترل، نگاه‌داری و به‌سازی نخستین واحد اجتماع یعنی، خانواده؛

حمایت از افراد کم‌توان جامعه مثل یتیمان، کودکان و زنان؛

تثبیت حکومت اسلامی و بیان لزوم اطاعت از رهبران الهی؛

بیداریاش مسلمانان در مقابل دشمنان داخلی و خارجی؛

تشویق مسلمانان به هجرت از سرزمین کفر به مرکز اسلام.



۳. مطالب سوره نساء

۱-۳. عقاید

- دعوت به ایمان حقیقی در آیه ۱۳۶؛
- فراخوانی به عدالت در آیه ۱۳۵؛
- دعوت به تفکر در قرآن در آیه ۸۲؛
- دستور به پرهیز از غلو در دین در آیه ۱۷۱.

۲-۳. مطالب اخلاقی

- دعوت انسان‌ها به توبه و بازگشت به سوی خدا و پرهیز از گناهان در آیات ۱۵ تا ۱۸؛
- دعوت مسلمانان به پاسخ دادن نیکی‌ها و لزوم پاسخ‌گویی به سلام در آیه ۸۶.

۳-۳. داستان‌ها

- سرگذشت و وحی بر پیامبران قبل از نوح علیه السلام تا ابراهیم علیه السلام و داوود علیه السلام در آیات ۱۶۳-۱۶۵؛
- سرگذشت عیسی علیه السلام که به صلیب کشیده نشد در آیات ۱۵۷-۱۵۹؛
- یهود و ستمکاری آنان و کیفرهای الهی بر آنان در آیات ۱۵۳ تا ۱۶۱.

۴. احکام و قوانین

- لزوم قطع رابطه دوستانه با دشمنان خدا در آیه ۱۶۴؛
- قانون ارث بر اساس یک روش طبیعی و عادلانه در آیات ۷-۱۲؛
- زنان و مردانی که به یکدیگر محرم یا نامحرم هستند در آیه ۲۳؛
- ازدواج در آیات ۲۴-۲۵؛
- مبارزه با فحشا در جامعه در آیات ۱۵-۱۶؛
- حمایت از یتیمان، کودکان و افراد کم‌توان جامعه در آیات ۲، ۶، ۱۹-۲۱؛
- حفظ اموال عمومی در آیه ۵؛
- قتل عمد و خطا در آیات ۹۱-۹۲؛
- حقوق و وظایف متقابل افراد جامعه در برابر یکدیگر به ویژه در اختلافات خانوادگی در آیه ۳۵؛

- هجرت و لزوم جلای وطن از یک جامعه فاسد به طرف مراکز اسلامی در آیات ۹۷-۱۰۰؛

- اطاعت از رهبری حکومت اسلامی در آیات ۵۹-۶۵؛

- برخی از احکام نماز در آیات ۴۳ و ۱۰۱.

۵. مسائل فرعی

- معرفی دشمنان جامعه اسلامی و بیدارباش در مقابل آنها در آیات ۱۶۷-۱۶۸ و ۲۰۰؛

- معرفی دشمنان منافقی که به عنوان ستون پنجم، فعالیت زیرزمینی داشتند و تشریح روحیات

آنان در آیات ۸۸-۹۱ و ۱۳۷-۱۴۵؛

- تشویق مسلمانان برای مبارزه با دشمنان در آیات ۷۱-۷۷ (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷).

۶. آیه متعه

«وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَلِكَ أَن تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید. [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است و غیر از این [زنان نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید- در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید- و زنانی را که مُتعه کرده‌اید مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید]؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است». (نساء: ۲۴)

آیه مُتعه بیست و چهارمین آیه سوره نساء است که از نگاه شیعه، فرازی از این آیه دلالت بر جواز ازدواج موقت در اسلام دارد. اهل سنت چون متعه را جایز نمی‌دانند، مدعی شدند که این آیه به واسطه سنت نبوی نسخ شده است. برخی از مفسران شیعی این ادعا را نادرست شمرده و می‌گویند روایات، نسخ، ضعیف و مضمونشان آشفته است و تحریم متعه را به خلیفه دوم نسبت می‌دهند.

۷. جواز متعه در صدر اسلام

دو مذهب شیعه و سنی در اینکه متعه در صدر اسلام مدتی جایز بوده است اتفاق نظر دارند. همچنین در اینکه متعه مدت زمانی در ایام حیات رسول خدا ﷺ مشروع بوده است هیچ شکی نیست: «ولا شک أنه کان مشروعاً فی ابتداء الإسلام؛ هیچ شکی در این نیست که متعه در ابتدای اسلام جایز بوده است» (ابن کثیر، ۱۴۱۹/۱، ۴۷۵) پس ادعای حلیت اضطراری آن مانند حلیت گوشت مرده و خون در حال اضطرار نیز معنی ندارد؛ زیرا ضرورت در هر زمانی حکم حرمت را - در هر موضوعی که باشد - برمی دارد و مختص به زمان رسول خدا ﷺ نیست، اما اختلاف اصلی در این است که آیا برای این حکم در زمان خود رسول اکرم ﷺ نسخی وارد شده است یا اینکه حکم به حرمت متعه بعد از وفات ایشان و توسط دیگران وضع شده است. مشهور بین اهل سنت نظر اول و اجماع شیعه بر نظر دوم است.

۸. ادله حلیت متعه

برای اثبات حلیت متعه - جدا از اجماعی که حتی اهل سنت نیز آن را در مورد سال های اولیه اسلام نقل کرده اند - می توان از قرآن کریم و روایات رسول گرامی اسلام ﷺ استفاده کرد.

۸-۱. قرآن

در قرآن کریم چنین آمده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً». براساس نظر بسیاری از مفسران، این آیه در مورد ازدواج موقت و متعه نازل شده است. مفسرین شیعه و سنی در این نکته که نزول این آیه در مورد متعه بوده است اتفاق نظر دارند و با اثبات این مطلب، حلیت متعه ثابت شده و اثبات حرمت و یا نسخ آن، به دلیل نیاز دارد:

«و قال الجمهور: المراد نكاح المتعه الذي كان في صدر الاسلام؛ جمهور علما (مشهور علما) گفته اند که مراد از این آیه، متعه است که در صدر اسلام بوده است.»

«وإلى ذلك ذهب الإمامية والآية أحد أدلتهم على جواز المتعه وأيدوا استدلالهم بها بأنها في حرف أبي فما استمتعتم به منهن إلى أجل مسمى وكذلك قرأ ابن عباس وابن مسعود رضي الله تعالى عنهم و

الكلام فی ذلك شهیر و لا نزاع عندنا فی أنها أحلت ثم حرمت؛ و شیعه به همین نظر میل دارند و این آیه یکی از ادله ایشان بر جواز متعه است و استدلال خود را با این مطلب که این آیه در قرائت اَبی و ابن عباس، اِلَى أَجَلٍ مَّسْمُومٍ بوده است، تأیید می کنند و کلام در این مطلب مشهور است. متعه در ابتدا حلال بود، سپس حرام شد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ۸/۳)

«و قد استدلل بعموم هذه الآیه علی نکاح المتعه و لا شک أنه کان مشروعاً فی ابتداء الإسلام ثم نسخ بعد ذلك و قد ذهب الشافعی و طائفة من العلماء اِلَى أنه أُبیح ثم نسخ ثم أُبیح ثم نسخ مرتین و قال آخرون أكثر من ذلك و قال آخرون إنما أُبیح مره ثم نسخ و لم ییح بعد ذلك و قد روی عن ابن عباس و طائفة من الصحابه القول بإباحتها للضرورة و هو رویه عن الإمام أحمد و کان بن عباس و اَبی بن کعب و سعید بن جبیر و السدی یقرؤون فما استمتعتم به منهن اِلَى أَجَلٍ مَّسْمُومٍ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فریضه و قال مجاهد نزلت فی نکاح المتعه؛ و به این آیه برای اثبات نکاح متعه استدلال شده است و شکی نیست که متعه در ابتدا جایز بوده است و سپس نسخ شده است و شافعی همین نظر را دارد و عده ای چنین می گویند که در ابتدا جایز شد و سپس نسخ شد و دوباره مباح شد و دوباره نسخ شد و عده ای دیگر بیشتر از این نیز گفته اند و عده ای نیز می گویند تنها یک بار جایز شده و بعد از آن حرام شده و دیگر جایز نشد و مباح بودن آن به خاطر ضرورت از ابن عباس و عده ای از صحابه نقل شده است و این روایت از امام احمد است و ابن عباس و اَبی بن کعب و سعید بن جبیر و سدی آیه را چنین می خواندند: «اِلَى أَجَلٍ مَّسْمُومٍ» و مجاهد نیز گفته است که در نکاح، متعه نازل شده است». (شوکانی، ۴۹۹/۱۱۴۱۴)

۸-۲. دیدگاه بزرگان صحابه

بر اساس روایات اهل سنت بسیاری از بزرگان صحابه و تابعین مانند ابن عباس، اَبی بن کعب، مجاهد، سعید بن جبیر، ابن مسعود و سدی و دیگران این آیه را چنین قرائت می کرده اند: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ اِلَى أَجَلٍ مَّسْمُومٍ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ». «أخبرنا أبو زكريا العنبري حدثنا محمد بن عبد السلام حدثنا إسحاق بن إبراهيم أنبا النضر بن شميل أنبا شعبه حدثنا أبو سلمة قال سمعت أبا نضره يقول قرأت

علی بن عباس فما استمتعتم به منهن فاتوهن أجورهن فريضة قال بن عباس فما استمتعتم به منهن إلى أجل مسمى قال أبو نضرة فقلت ما نقرأها كذلك فقال بن عباس والله لأنزلها الله كذلك هذا حديث صحيح على شرط مسلم ولم يخرجاه؛ شنیدم ابانضره را که می گوید بر ابن عباس این آیه را خواندم که زنانی را که ایشان را متعه کرده اید، پس اجر ایشان را به عنوان واجب و فريضة به ایشان بدهید. ابن عباس گفت زنانی را که ایشان را متعه کرده اید تا زمان معین ابونضره گفت: ما آن را چنین نمی خوانیم. ابن عباس گفت قسم به خداوند که خدا آن را چنین نازل کرد. این حدیث بنا بر نظر مسلم (در شروط صحت حدیث) صحیح است، ولی بخاری و مسلم آن را در کتب خودشان نیاورده اند». (نیشابوری، ۱۴۳۵، ۲/۳۳۴)

قرائت ایشان در کتاب های ذیل نیز نقل شده است: جامع البیان، المصنف لعبد الرزاق الصنعانی، شرح النووی علی صحیح مسلم، الکشاف للزمخشری، احکام القرآن للجصاص، تفسیر القرطبی، تفسیر ابن کثیر، الدر المنثور. به طور قطع مقصود ابن عباس نزول به عنوان قرآن نبوده است؛ زیرا تحریف قرآن به اجماع مسلمانان باطل است بلکه مقصود، نزول به عنوان تفسیر این آیه از جانب خداوند است؛ یعنی خداوند متعال بعد از نزول آیه یا همزمان با آن، مصداق و تفسیر آیه را به همراه ذکر متن آیه به رسول خدا ﷺ وحی می کرد، پس مقصود این آیه، همان ازدواج تا زمان معین و متعه است جدا از لفظ استمتاع که در نص آیه آمده و می تواند دلیل دیگری بر اراده متعه باشد.

۹. نهی عمر از دو متعه حلال

از اموری که دلالت بر حلیت متعه می کند کلام عمر بن الخطاب است که گفت: «دو متعه در زمان رسول خدا ﷺ حلال بود. من از آن دو نهی می کنم و بر (انجام دادن) آن دو عقاب می نمایم». اگر در زمینه متعه، نسخی از جانب رسول خدا ﷺ موجود بود، قطعاً عمر به آن استشهد می کرد، اما چنین نکرده است. بنابراین، روایت صراحت دارد در اینکه متعه در زمان رسول خدا ﷺ حلال بوده است و تحریم آن، نظر شخصی عمر است.

۹-۱. مدارک این روایت در کتب اهل سنت

سرخرسی در دو کتاب خود این روایت را از جمله روایاتی می‌داند که با سند صحیح از عمر نقل شده است: «و قد صحَّ أَنَّ عمر رضی الله عنه نهی الناس عن المتعة فقال: متعتان کانتا علی عهد رسول الله ﷺ و أنا نهی الناس عنهما؛ متعة النساء و متعة الحج؛ با روایت صحیح از عمر نقل شده است که وی مردم را از متعه نهی کرد، پس گفت: دو متعه در زمان رسول خدا ﷺ حلال بود: متعه زنان و حج تمتع». این روایت در بسیاری از کتب دیگر اهل سنت نیز نقل شده است.



۹-۱-۱. ماجرای یحیی بن اکثم

در همین زمینه روایتی از یحیی بن اکثم نقل شده است که جالب توجه است: «قال یحیی بن اکثم لشیخ بالبصره: بمن اقتدیت فی جواز المتعة؟ قال: بعمر بن الخطاب رضی الله عنه. قال: کیف و عمر کان أشد الناس فیها؟ قال: لأنَّ الخبر الصحیح أنه صعد المنبر فقال: إنَّ الله و رسوله قد أحلَّ لکم متعتین و ائیی محرمهما علیکم و أعاقب علیهما. قبلنا شهادته ولم نقبل تحریمه؛ یحیی بن اکثم به یکی از شیوخ در بصره گفت در جواز متعه از چه کسی تبعیت می‌کنی؟ گفت از عمر. سؤال کرد که چگونه و حال آنکه عمر از سخت‌گیرترین مردمان در مورد متعه بود. گفت چون روایت صحیح می‌گویند که وی بالای منبر رفت و گفت خداوند و رسول وی متعه را حلال کردند و من آن را بر شما حرام می‌کنم و برای آن عقوبت؛ پس ما شهادتش را (در مورد حلّیت آن از نظر خدا و رسولش) قبول کردیم، اما حرام کردنش را (توسط عمر) قبول ننمودیم».

۹-۱-۲. ماجرای مأمون خلیفه عباسی

مأمون خلیفه عباسی - که در نظر ایشان امیرالمؤمنین بوده است - نیز ماجرای جالبی در مورد این روایت دارد: «ایشان می‌گویند روزی مأمون دستور داد تا در بین مردم به حلّیت متعه ندا دهند؛ یعنی بگویند که متعه رسماً حلال است». محمد بن منصور و ابو العیناء از فقهای دربار وی بر وی داخل شدند تا شاید نظر وی را برگردانند در حالی که وی با عصبانیت مشغول مسواک کردن بود کلام عمر را ذکر کرده و گفت: «دو متعه در زمان رسول خدا ﷺ و ابوبکر بود و من آن دو را حرام می‌کنم». تو که

هستی ای چپ چشم (کنایه از کسی که به مطالب با دید درست نگاه نمی‌کند) تا از آنچه که رسول خدا ﷺ و ابوبکر انجام داده‌اند، نهی کنی؟ پس محمد بن منصور خواست با وی سخن بگوید، اما ابوالعیناء به وی گفت کسی که صراحتاً در مورد عمر چنین سخن می‌گوید ما به وی چه بگوییم؟ در این هنگام یحیی بن اکنم بر وی وارد شده و با وی خلوت کرد و آن قدر با وی سخن گفت تا وی را از این نظر بازگرداند».

۱۰. روایات حلیت متعه در کتب اهل سنت

در بسیاری روایات آمده است که صحابه صراحتاً می‌گویند که ایشان در زمان رسول خدا ﷺ، ابوبکر و قسمتی از دوران خلافت عمر متعه می‌کرده و آن را جایز می‌دانسته‌اند: «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ رَافِعٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ أَخْبَرَنَا ابْنُ جُرَيْجٍ أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ قَالَ سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ كُنَّا نَسْتَمْتِعُ بِالْقَبْضَةِ مِنَ التَّمْرِ وَالذَّقِيقِ الْأَيَّامَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَبِي بَكْرٍ حَتَّى نَهَى عَنْهُ عُمَرُ فِي شَأْنِ عَمْرٍو بْنِ حُرَيْثٍ؛ از جابر بن عبدالله الأنصاری شنیدم که می‌گفت: ما در زمان رسول خدا ﷺ و ابوبکر در مقابل یک مشت خرما یا آرد متعه می‌کردیم تا اینکه عمر در قضیه عمرو بن حرث از آن نهی کرد» (سخاوی، ۱۳۸۷، ۱۰۱/۶). شبیه همین روایت در مسند احمد و کتب دیگر ذکر شده است.

۱۱. کلام امیر مؤمنان و ابن عباس

«اگر عمر از متعه نهی نمی‌کرد جز افراد بدبخت زنا نمی‌کردند». این مطلب را ابن جریر طبری و سیوطی در تفسیرشان از امیرمؤمنان علی عليه السلام نقل می‌کنند که فرمود: «لَوْلَا أَنَّ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ نَهَى عَنِ الْمُتَعَةِ مَا زَنِىَ إِلَّا شَقِيٌّ». اگر عمر از متعه نهی نمی‌کرد جز افراد بدبخت زنا نمی‌کردند (بلکه به متعه رو می‌آوردند) عبدالرزاق نیز شبیه همین مطلب را از امیرمؤمنان در المصنف نقل می‌کند. قرطبی نیز شبیه همین مطلب را از ابن عباس نقل می‌کند.

۱۲. دیدگاه علمای اهل سنت در مورد متعه

یکی از ادله‌ای که نمی‌توان آن را انکار کرد سیره صحابه و تابعین در عمل به متعه بعد از زمان رسول خدا ﷺ بوده است. این عمل به قدری در میان ایشان شایع بوده است که با توجه به آن نمی‌توان ادعای نسخ متعه یا عالم نبودن این عده زیاد از علما و بزرگان صحابه و تابعین و نیز علمای اهل سنت را پذیرفت. «و قد ثبت علی تحلیلها بعد رسول الله ﷺ جماعه من السلف رضی الله عنهم منهم من الصحابه رضی الله عنهم: أسماء بنت ابی بکر الصدیق. و جابر بن عبدالله و ابن مسعود و ابن عباس و معاویه بن ابی سفیان و عمرو بن حرث و ابوسعید الخدری و سلمه و معبد أبناء امیه بن خلف و رواه جابر بن عبد الله عن جمیع الصحابه مدّه رسول الله ﷺ و مدّه ابی بکر و عمر إلى قرب آخر خلافة عمر. و اختلف فی إباحتها عن ابن الزبیر و عن علی فیها توقّف و عن عمر بن الخطاب أنّه إنّما أنکرها إذا لم یشهد علیها عدلان فقط و أباحها بشهادة عدلین و من التابعین طاوس و عطاء و سعید بن جبیر و سائر فقهاء مکّه أعزها الله» (ابن حزم، ۱۴۳۰ق، ۵۱۹/۹).

۱۳. دیدگاه سلف بر حلیت متعه

گروهی از سلف بر حلیت متعه بعد از رسول خدا ﷺ باقی ماندند. در بین ایشان از صحابه اسماء دختر ابوبکر صدیق است و جابر بن عبدالله الانصاری و ابن مسعود و ابن عباس و عمرو بن حرث و ابوسعید خدری و سلمه و معبد فرزندان امیه بن خلف معاویه. جابر نظر به حلیت متعه را در زمان رسول خدا از همه صحابه نقل کرده است و نیز در زمان خلافت ابوبکر و نیز مدتی در زمان عمر تا اواخر خلافتش (که طبق روایات خود اهل سنت بعد از آن از متعه نهی کرد).

۱۴. دیدگاه ابن زبیر

در مورد اعتقاد ابن زبیر به حلال بودن آن اختلاف شده است. نیز از علی در مورد آن سکوت و توقف در نظر دادن نقل شده است. از عمر نیز نقل شده است که تنها زمانی در مورد متعه اشکال می‌گرفت که دو شاهد در آن حاضر نباشند، اما اگر دو شاهد شهادت دادند آن را جایز می‌دانست. قرطبی در کتاب الجامع الأحکام القرآن فتوای به حلیت متعه را نظر علمای مکّه و یمن می‌داند.

۱۵. اهل سنت و متعه

بزرگان علمای اهل سنت نیز در مورد متعه نظر مخالفی نداشته‌اند و برعکس حتی بسیاری از ایشان به این عمل رغبت بسیار نشان می‌دادند.

۱۵-۱. عبدالعزیز بن عبدالملک

عبدالعزیز بن عبدالملک بن جریج از بزرگان علمای امویین و فقیه و عالم مکه که در زمان وی یکی از ارکان اصلی روایت بود و روایات وی به وفور در صحاح سسته یافت می‌شود ۹۰ زن متعه‌ای داشت: «قال أبو غسان زنیج سمعت جریرا الضبی یقول کان ابن جریج یری المتعه تزوج بستین امرأه وقیل إنه عهد إلی أولاده فی أسمائهن لئلا یغلط أحد منهم ویتزوج واحده مما نکح أبوه بالمتعه؛ جریر می‌گفت که نظر ابن جریج حلیت متعه بود او با ۶۰ زن متعه کرد و گفته شده است که او نام ایشان را به اولادش گفت تا مبادا کسی از ایشان به اشتباه افتاده و با زنی از زنانی که پدرش با ایشان متعه کرده بود ازدواج کند» (ذهبی، ۱۴۱۴، ۶/۳۳۳).

۱۵-۲. ابن جریج

«وقال محمد بن عبدالله بن عبدالحمم سمعت الشافعی یقول استمتع ابن جریج بتسعین امرأه حتی إنه کان یحتقن فی اللیل بأوقیه شیرج طلبا للجماع؛ از شافعی شنیدم که می‌گفت: ابن جریج با ۹۰ زن متعه کرد، حتی او شب‌ها یک ظرف روغن کنجد به خود تنقیه می‌کرد تا بتواند نزدیکی کند» (ذهبی، ۱۴۱۴، ۶/۳۳۳).

۱۵-۳. مالک بن انس

از مالک بن انس و احمد بن حنبل دو فقیه بزرگ اهل سنت و رهبران مذاهب مالکی و حنفی نیز قول به جواز متعه نقل شده است:

مالک بن انس: «و تَفْسِيرُ الْمُتَعَةِ أَنْ يَقُولَ لِامْرَأَتِهِ: أَمْتَعُ بِكَ كَذَا مِنْ الْمُدَّةِ بِكَذَا مِنَ الْبَدَلِ وَ هَذَا بَاطِلٌ عِنْدَنَا جَائِزٌ عِنْدَ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ وَهُوَ الظَّاهِرُ مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ؛ تفسیر متعه آن

است که به زنی گفته شود: من تو را برای فلان زمان و با فلان مقدار مال متعه می‌کنم و این در اعتقاد ما باطل است و مالک بن انس آن را جایز می‌داند و گویا نظر ابن عباس هم چنین باشد؛

«و فی أن النهی للتحريم أو الكراهه قولان لمالك. در اینکه نهی (از خوردن گوشت الاغ و متعه) برای کراهت است یا حرمت مالک دو قول دارد»؛

«و قَالَ مَالِكٌ: هُوَ جَائِزٌ؛ لِأَنَّهُ كَانَ مَشْرُوعًا فَيَبْقَى إِلَى أَنْ يَظْهَرَ نَاسِخُهُ وَاشْتَهَرَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ تَخْلِيلُهَا وَتَبَعَهُ عَلَى ذَلِكَ أَكْثَرُ أَصْحَابِهِ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ وَمَكَّةَ؛ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ مِي غَوِيْدُ كِه مِتْعَه جَائِزِ اسْت؛ زِيْرَادِر اِبْتِدَا مَشْرُوع بُوْدَه اسْت، پَس هَمِيْن طُور باقِي مِي مَانْد تَا نَسْخَش مَشْخَص شُود. مَشْهُور اسْت كِه اِبْن عَبَّاس نِيْز اَنْ رَا حَلَال مِي دَانَسْت وَ بِيْشْتَر اصْحَاب او از اهل يمن و مکه نيز به تبعيت از ايشان، اَنْ رَا جَائِز مِي دَانَسْتَنْد». (الزَيْعَلِي الْحَنْفِي، ۱۴۳۷)

۱۵-۴. احمد بن حنبل

«و قال ابوبكر فيها روايه اخرى أنها مكروهه غير حرام لأن ابن منصور سأل أحمد عنها فقال يجتنبها أحب إلى قال فظاهر هذا الكراهه دون التحريم؛ از ابن قدامه نقل شده كه ابوبكر گفت: روايت ديگري وارد شده كه طبق آن، متعه مكروه است نه حرام؛ زيرا ابن منصور از احمد پرسيد و او گفت: به نظر من دوري كردن از آن (متعه) بهتر است. گفت: پس ظاهر اين گفته كراهت است نه حرمت». (قدامه، ۱۹۶۹، ۱۳۶/۷) همين مطلب در كتاب الكافي في فقه ابن حنبل و كتاب شرح الزركشي آمده است.

۱۶. اهل سنت و حليت متعه

صحابه‌ای متعه کرده و یا آن را جایز می‌دانسته‌اند: برخی اسامی کسانی که در کتب اهل سنت، قول به حليت متعه از ايشان نقل شده است، عبارتند از: جابر بن عبدالله أنصاری، عمران بن حصين خزاعی، ابوسعید خدری، عبدالله بن مسعود، سلمه بن اکوع، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام، سعد بن ابی وقاص، عمرو بن حريث (حويرث). «يحيى بن أكنم به یکی از شیوخ در بصره گفت در جواز متعه از چه کسی تبعیت می‌کنی؟ گفت از عمر. سؤال کرد که چگونه و حال آنکه عمر از سخت‌گیرترین مردمان در مورد متعه بود. گفت چون روایت صحیح می‌گوید که وی بالای منبر رفت و گفت خداوند و رسول

وی متعه را حلال کردند و من آن را بر شما حرام می‌کنم و برای آن عقوبت، پس ما شهادتش را (در مورد حلیت آن از نظر خدا و رسولش) قبول کردیم، اما حرام کردنش را (توسط عمر) قبول نمودیم.» (بیهقی، ۱۴۱۴، ۲۳۷/۷)

۱۶-۱. معاویه بن ابی سفیان

معاویه در ماجرای فتح مکه اسلام آورد. وی در زمان فتح طائف، زنی به نام معانه را متعه نمود. این زن تا زمان خلافت معاویه زنده ماند و معاویه همه ساله هدایایی برای وی می‌فرستاد. پس ادعای حرمت متعه در فتح خیبر یا بعد از آن و حتی در ماجرای فتح مکه نمی‌تواند صحیح باشد. (مزی، ۱۴۱۳، ۲۱۴/۳۱) در محاضرات الأدباء راغب آمده است: «ابن زبیر به ابن عباس گفت چرا فتوای به حلیت متعه می‌دهی؟ پاسخ داد از مادرت أسماء پیرس که چگونه تو را حامله شد. پس سوال کرد و وی پاسخ داد او را به دنیا نیاوردم مگر از متعه». همین مطلب به صورت خلاصه در کتب زاد المعاد و التمهید لاین عبد البر الاستذکار ابن عبد البر آمده است. متن کامل گفت‌وگو در بعضی از منابع شیعه چنین آمده است: «ابوالقاسم کوفی می‌گوید: بعضی از علمای شیعه نقل کرده‌اند که وقتی ابن عباس وارد مکه شد و عبدالله بن زبیر نیز بر فراز منبر خطبه می‌خواند، چون نظرش به ابن عباس افتاد (در آن روزها نایبنا بود) گفت: ای مردم، کوری نزد شما آمده که خدا دل او را نیز کور کند. او عایشه ام‌المؤمنین را دشنام می‌دهد و نزدیکان و اصحاب پیامبر ﷺ را لعن می‌کند و متعه را حلال می‌شمارد در حالی که زنا محض است. این گفتار بر ابن عباس سنگین آمد. در آن حال غلامش عکرمة که دست او را گرفته بود را صدا زد و گفت: مرا نزدیک او ببر، پس او را نزدیک برد تا اینکه مقابل او ایستاد و شعری به این مضمون خواند: زمانی که با گروهی روبه‌رو می‌شویم آن گروه را متلاشی می‌کنیم. تا اینکه گفت: و اما اینکه می‌گویی: متعه را در حالی که زنا محض است، حلال می‌دانم به خدا قسم! در زمان رسول خدا ﷺ به آن عمل می‌شد و پس از ایشان نیز پیامبری برانگیخته نشد؛ دلیل جواز آن نیز گفته ابن صهاک است که می‌گفت: دو متعه در زمان رسول خدا ﷺ وجود داشت و من آن دو را منع می‌کنم و (مرتکب ابطین را مجازات می‌کنم) و ما گواهی او (جواز متعه در زمان پیامبر ﷺ) را می‌پذیریم و تحریم او را قبول نمی‌کنیم.

تو نیز از متعه متولد شده‌ای، پس وقتی از این چوب (منبر) پایین آمدی از مادرت در مورد بردهای (پیراهن) عوسجه بپرس. عبدالله بن عباس رفت و عبدالله بن زبیر نیز پایین آمد و با سرعت به سوی مادرش رفت و گفت: درباره بردهای عوسجه برایم بگو و با عصبانیت اصرار کرد. مادرش گفت: پدرت با رسول خدا ﷺ بود و مردی به نام عوسجه دو برد (پیراهن) را به او هدیه کرد و پدرت از بی همسری به پیامبر ﷺ گلایه و شکایت کرد. آن گاه آن حضرت یکی از دو پیراهن را به او داد و او نیز نزد من آمد و با آن پیراهن مرا متعه کرد و مدتاین روایت در بسیاری از کتب دیگر اهل سنت نیز نقل شده است. وی گذشت و پیراهن دیگر آورد و به وسیله آنها مرا متعه کرد و من به تو حامله شدم، پس تو فرزند متعه هستی. حالا بگو از کجا این خبر به گوش تو رسید؟ گفت: از ابن عباس شنیدم. مادرش گفت: آیا من تو را از تماس با بنی هاشم منع نکردم و نگفتم مواظب باش آنها زبان های غیر قابل تحمل و پیروزی دارند» (کوفی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۵؛ نوری، ۱۴۰۸، ۴/۴۵۰). قسمتی از سخنرانی ابن زبیر و برخورد شخصی با وی (بدون ذکر نام ابن عباس) در صحیح مسلم باب المتعه ذکر شده است. در کتاب سنن البیهقی الکبری جمهره خطب العرب سمط النجوم العوالی روایت را با متنی شفاف تر آورده و آن شخص را ابن عباس معرفی می کند.

۱۶-۲. دیدگاه ابن عباس

عده‌ای ادعا می کنند که ابن عباس به سبب برخورد شدید امیرمؤمنان با وی از این نظر برگشته و فتوا به حرمت متعه داد. آیا این نظر صحیح است. پاسخ: در بحث اسماء دختر ابوبکر روایتی ذکر شد که در آن به تواتر در مورد بحث ابن زبیر با ابن عباس در مورد فتوا به حلیت متعه سخن گفته شده است. این روایت مربوط به زمان حکومت ابن زبیر بود و حکومت وی سال ها بعد از زمان شهادت امیرمؤمنان علی علیه السلام بوده است. این قرینه نشان می دهد که روایت مربوط به نهی امیرمؤمنان ابن عباس را از فتوای به متعه جعلی بوده و برای نسبت دادن حرمت متعه به امیرمؤمنان و ابن عباس صورت گرفته است وگرنه معنی ندارد که امیرمؤمنان علیه السلام به ابن عباس بگوید رسول خدا صلی الله علیه و آله از متعه نهی کرده اند، ولی وی تا

آخر عمر بر همان نظر سابقش باقی بماند. البته باید گفت که این روایت جعلی اهل سنت، احتمال عالم نبودن ابن عباس را به نسخ متعه نیز باطل می‌کند.

۱۶-۳. دیدگاه ابن عمر

از وی در مورد متعه سؤال شد: «گفت ما در زمان رسول خدا ﷺ زنا نمی‌کردیم (متعه زنا نیست؛ زیرا اگر زنا باشد یعنی ما در زمان رسول خدا ﷺ زنا می‌کردیم)». (ابن حنبل، ۲۰۱۳م، ۹۵/۲)

۱۷. تابعین و یا علمای اهل سنت که متعه کرده و یا آن را جایز دانسته‌اند

این افراد عبارتند از: مالک بن انس (کلام در مورد وی مفصلاً گذشت)؛ احمد بن حنبل (کلام در مورد وی مفصلاً گذشت)؛ سعید بن جبیر؛ عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج (کلام در مورد وی مفصلاً گذشت)؛ عطاء بن ابی رباح؛ مجاهد بن جبر؛ سدی؛ حَکَم بن عتیبه؛ ابن ابی ملیکه؛ زفر بن اوس بن حدثان مدنی؛ طلحه بن مصرف الیامی؛ فقهای اهل مکه؛ فقهای اهل یمن؛ گروهی از اهل بیت و تابعین.

۱۸. ادله نسخ متعه

علمای اهل سنت می‌گویند که متعه اگرچه در ابتدا مباح بوده است، ولی در ادامه نسخ شده است. در مورد این نسخ سه قول وجود دارد:

۱۸-۱. نسخ با آیه

عده‌ای از ایشان ادعا کرده‌اند که متعه با نزول آیه شریفه ذیل نسخ شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ؛ و کسانی که پاکدامنند مگر در مورد همسرانشان یا با کنیزکانی که مالک آنها می‌شوند» (مؤمنون: ۵-۶). ایشان ادعا کرده‌اند که در این آیه تنها نزدیکی با همسران و کنیزان جایز دانسته شده است و زن در متعه هیچ کدام از این دو نیست پس نزدیکی با وی حرام است.

۱۹. متعه نکاح (ازدواج است)

۱-۱۹. ارزیابی دلیل

این استدلال برای اثبات نسخ متعه مردود است؛ زیرا همان طور که در ابتدا گذشت، متعه به اقرار علمای اهل سنت ازدواج است، پس در مفاد این آیه داخل شده و حلال است. آیه سوره مؤمنون، مکی است و آیه متعه، مدنی. جدا از این نکته که این سوره مکی است و آیه متعه مدنی، پس این آیات نمی‌تواند ناسخ حکم متعه باشد. روایاتی از اهل سنت، نسخ را منکر می‌شود. جدای از ادله گذشته مانند کلام عمر و عمل صحابه و ادله‌ای که در پاسخ به بحث غزوه خیبر مطرح خواهد شد که صریحاً دلالت بر عدم ورود نسخ برای متعه دارد.

۲۰. نسخ با آیه میراث

ایشان ادعا می‌کنند که در متعه ارث نیست، پس آیه میراث که ارث را برای همسر اثبات می‌کند ناسخ حکم متعه است.

۱-۲۰. ارزیابی دلیل

الف) ارث نبردن در متعه نظر همه علمای شیعه نیست. ارث نبردن در متعه نظر همه علما نیست بلکه عده‌ای میراث را در آن به طور مطلق یا مشروط جاری می‌دانند؛ یعنی اگر شرط ارث بکند ارث می‌برد و گرنه خیر. فتوای مطلق نظر عده‌ای از علما مانند قاضی ابن براج است (میرزای قمی، ۱۳۷۱، ۴/۳۹۰) و فتوای مشروط نظر عده‌ای از علما مانند آیت‌الله خویی و نیز آیت‌الله اراکی است (آیت‌الله خویی، ۱۳۸۰، ص ۴۳۴). بر اساس نظر ایشان نمی‌توان آیه ارث را ناسخ حکم متعه گرفت بلکه تنها این آیه در متعه حکم ارث را ثابت می‌کند. می‌توان ادله متعه را ناسخ و یا مخصص ادله ارث گرفت. روایاتی که دلالت بر عدم نسخ حکم متعه می‌کنند شاهد بر این مطلب هستند که ادله متعه یا ناسخ حکم ارث در ازدواج موقت است یا مخصص نه مثل آنچه که بعضی از اهل سنت ادعا می‌کنند. بر اساس نظر اهل سنت هم، ارث مربوط همه ازدواج‌ها نمی‌شود. خود اهل تسنن هم در بسیاری موارد در ازدواج‌ها میراث را باطل می‌دانند. برای مثال در فرضی که یک مسلمان با زنی از اهل کتاب ازدواج کند و بمیرد به اجماع



مسلمانان آن زن از وی ارث نخواهد برد یا اگر همسری شوهر خود را بکشد از وی ارث نخواهد برد، پس حکم ارث بردن از لوازم ازدواج نیست تا در صورت نبودن آن حکم به بطلان ازدواج می‌شود بلکه از فروعی است که در بعضی حالات بر ازدواج بار می‌گردد.

این آیات قبل از آیه متعه نازل شده است، پس ناسخ نیست. «این آیات قبل از آیات متعه نازل شده‌اند پس نمی‌توانند ناسخ آن باشند».

۲۱. روایاتی از اهل سنت که به‌طور صریح، نسخ را منکر می‌کنند

این ادله، جدای از ادله‌ای است که در گذشته مانند کلام عمر و عمل صحابه مطرح شد و یا در پاسخ به بحث غزوه خیبر مطرح خواهند شد که صریحاً دلالت بر عدم ورود نسخ برای متعه دارند.

۲۱-۱. نسخ با نهی رسول خدا ﷺ در غزوه خیبر

عده‌ای از ایشان ادعا می‌کنند که متعه با نهی رسول خدا ﷺ در غزوه خیبر یا بعد از آن نسخ شده است. حتی عده‌ای می‌گویند متعه چندین بار نسخ شده و دوباره حلال شد. (انصاری قطبی، بی‌تا، ۱۳/۵)

۲۱-۲. کلام صحابه و خود عمر در عدم نسخ حلیت متعه توسط رسول خدا ﷺ و نسخ آن توسط عمر ظاهر کلام عمر بن خطاب در مورد تحریم شدن متعه توسط وی این است که در زمان رسول خدا ﷺ نسخی نبوده است؛ زیرا می‌گوید: «این دو متعه در زمان رسول خدا ﷺ بودند و من از آنها نهی می‌کنم. این جمله صریح در مدعای ماست». نیز اگر چنین بود؛ یعنی واقعاً در زمان رسول خدا ﷺ نسخ صورت گرفته بود یا لاقلاً عمر می‌خواست چنین تظاهر کند باید می‌گفت من از آن دو نهی می‌کنم چون رسول خدا ﷺ از آن نهی کردند، ولی شما نشنیدید یا در قرآن نسخ آن مطرح شده است و شما نمی‌دانید. بنابراین، اگر کسی مخالفت کند وی را عقاب می‌کنم. همان‌طور که ابوبکر در ماجرای ارث نبردن از رسول خدا ﷺ چنین ادعایی کرد و روایتی از رسول خدا ﷺ ذکر کرد که غیر از وی احدی آن

را از ایشان نقل نکرده است. یا خود وی در مورد رجم شبیه این مطلب را ادعا کرد و راه معقول برای جلوگیری صحابه از این عمل، همین است که سنت رسول خدا ﷺ را به ایشان یادآور شد.

۲۲. نتیجه گیری

از منظر اسلام، متعه نوعی ازدواج موقت همراه با مدت مشخص و مهر معلوم است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است و افزون بر قرآن، پشتوانه روایی هم دارد. آیه متعه از آیات اختلافی و پرمناقشه میان مفسرین شیعه و سنی است و با وجود اختلاف دیدگاه‌ها در تفسیر آیه، روایات تفسیری فریقین ذیل آن دو نیز با یکدیگر تعارض دارد. بر اساس رهنمود قرآن کریم در آیه متعه نیز بر پایه سنت نبوی و روایات صحیح اهل بیت علیهم السلام و برخی سخنان صحابیان و تابعیان، متعه و ازدواج موقت در عصر نبی اکرم حلال و جایز بوده و این حکم الهی تاکنون نیز استمرار دارد. دیدگاه اهل سنت در دلالت آیه بر ازدواج دائم پذیرفتنی نیست و این نظریه هیچ پشتوانه روایی صحیحی ندارد و ادعای تحریم آن از سوی اهل تسنن اجتهاد در مقابل نص و مخالف صریح با آیات الهی خداست.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آلوسی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ هـ.ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. لبنان: دارالمکتبه العلمیه.
۲. ابن حنبل، احمد بن محمد (۲۰۱۳ م). مسند احمد بن حنبل. مصر: مؤسسه قرطبه.
۳. ابن کثیر، اسماعیل ابن عمر (۱۴۱۹ هـ.ق). تفسیر ابن کثیر. لبنان: دارالمکتبه العلمیه.
۴. اندلسی، ابن حزم (۱۴۳۰ هـ.ق). المحلی بالآثار. بی جا: دارالاحیاء التراث العربی.
۵. بیهقی، احمد (۱۴۱۴ هـ.ق). السنن الکبری. مکه المکرمه: پ مکتبه دار الباز.
۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۳۵ هـ.ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالتأصیل.
۷. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۰). توضیح المسائل آیت الله خوبی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۸. ذهبی، محمد ابن احمد (۱۴۱۴ هـ.ق). سیر اعلام النبلاء. بیروت: مؤسسه الرساله.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۱۰. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن (۱۳۸۷). عون المعبود. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۱۱. شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰ هـ.ق). خصائص السور. بیروت: دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۱۲. شوکانی، محمد (۱۴۱۴ هـ.ق). فتح القدر الجامع بین فنی الروایه و الدرایه من علم التفسیر. دمشق: دارکتبر.
۱۳. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۶ هـ.ق). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: دارالشریف.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴). مجمع البیان، قم: ناصر خسرو.

۱۵. فخرالدین عثمان بن علی الزیلعی الحنفی (۱۴۳۷هـ ق). تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق. مصر: مکتبه الکبری.
۱۶. قدامه، عبدالله بن احمد (۱۹۶۹م). المغنی. قاهره: مکتبه الجمهوریه.
۱۷. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). کتاب الجامع الاحکام القرآن قرطبی. تهران: ناصر خسرو.
۱۸. کوفی، علی بن احمد (۱۳۷۳). الاستغاثه. تهران: مؤسسه العلمی.
۱۹. مزی، جمال الدین ابوحجاج یوسف (۱۴۱۳هـ ق). تهذیب الکنز فی اسما الرجال. بیروت: مؤسسه رساله.
۲۰. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۳۷۱). جامع الشتات. تهران: کیهان.
۲۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸هـ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البیت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی